



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

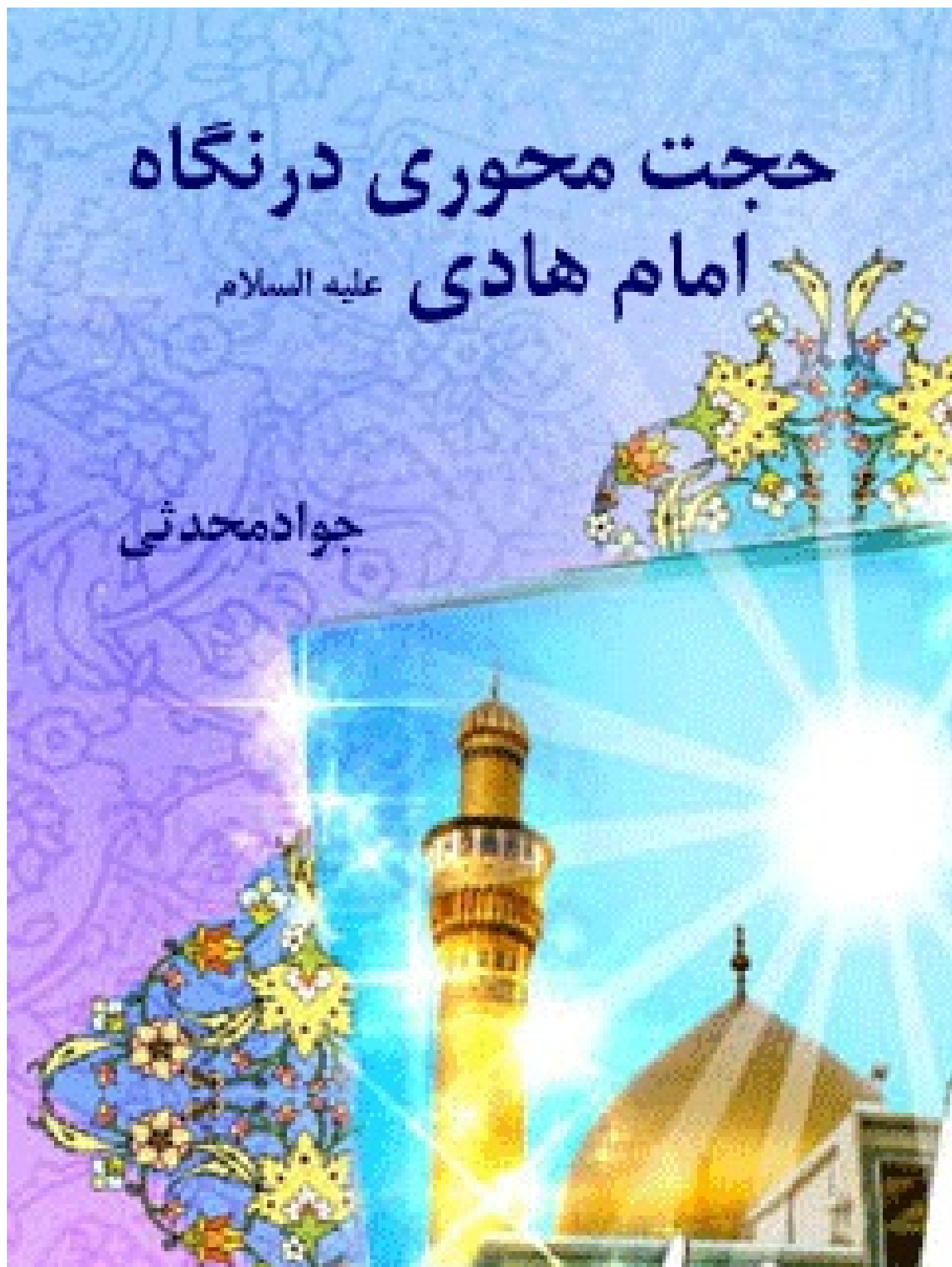


عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حجّت محوری در نگاه امام هادی علیه السلام

جوادمحدثی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجت محوری در نگاه امام هادی (ع)

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حجت محوری در نگاه امام هادی (ع)
۶ مشخصات کتاب
۶ حجت شناسی
۶ همسویی با حجت الهی
۷ عرضه خود بر حجت خدا
۷ عبدالعظیم حسنی و عرضه عقاید
۸ حجت شدن عبدالعظیم
۹ امام هادی و عثمان بن سعید
۹ امام هادی و یونس بن عبدالرحمان
۹ پاورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حجت محوری در نگاه امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: جواد محدثی

ناشر: کوثر: تابستان ۱۳۸۶، شماره ۷۰

موضوع: امام هادی (ع)

یادداشت: مقاله

حجت شناسی

حجت بالغه از آن خداوند است. خداوند با اعطای عقل و بعثت انبیا و فرستادن کتاب‌های آسمانی و تعیین وصی برای انبیا، حجت را بر مردم تمام کرده است و با همین حجت‌ها با بندگان احتجاج و به حساب آنان رسیدگی می‌کند. به فرموده امام صادق (ع): «إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ عَلَى النَّاسِ بِمَا آتَاهُمْ وَعَرَّفَهُمْ» [۱]. از این روی، شناخت حجت برای بندگان لازم و یک تکلیف به شمار می‌رود. خدا هم بندگان را بر اساس معرفت و خرد آنان مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و هر که حجت‌های الهی را نشناسد یا عملش طبق حجت نباشد، در مؤاخذه و محاسبه در می‌ماند و از عهده پاسخگویی بر نمی‌آید و اینکه در دعاها از خداوند حجت‌شناسی را می‌طلبیم، برای همین است که با معرفت حجت، زندگی‌ها و اعمال ما بر اساس حجت باشد: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ...» [۲] و بدون آن، پیمودن راه است، بدون همراهی با خضر راهنما! امامان معصوم، حجت‌های الهی‌اند. اگر رسول خدا (ص) برای تداوم هدایت امت پس از خویش، دو یادگار ارزشمند به میراث و ودیعت نهاده است، یکی قرآن و دیگری عترت، برای همین است که مردم بدون حجت نباشند و در تشخیص راه و شناخت وظیفه و عمل بر طبق رضای خالق، در پی حجت روند؛ چون زندگی بی حجت به گمراهی کشیده می‌شود و عمل بدون حجت مقبول نیست. [۳] از این رو، تمسک به تقلین و تعهد نسبت به پیام قرآن و فرمان امام، ضامن مصون بودن از گمراهی است، آن‌گونه که حضرت رسول در حدیث ثقلین فرموده است. [۴].

همسویی با حجت الهی

گام دوم پس از شناخت حجت، کوشش برای انطباق افکار و عقاید، سلوک و رفتار، مواضع و جهت‌گیری‌ها و عمل به احکام شرع، با رهنمودها و اوامر و نواهی حجت خداست و تنها در این صورت است که ذمه انسان مکلف بری می‌شود و در مقام احتجاج الهی در روز داوری، مسلمان متعهد دارای دلیل محکمه‌پسند و حجت مقبول خواهد بود؛ چون عمل بر طبق حجت کرده است. خاندان عصمت و طهارت و ائمه اطهار، حجت‌های الهی‌اند. در اذان‌هایمان هم شهادت می‌دهیم که امیرمؤمنان و ائمه معصومین «حجج الله» هستند. اگر به حجیت آنان باور داریم، باید در عمل آن را اثبات کنیم، معتقدات و معارفمان را از آنان بگیریم، در فقه و عمل دینی به نظر آنان عمل کنیم و در قیام و قعود و جنگ و صلح و تولا و تبرا مواضعمان با مواضع و سیره آنان منطبق باشد، نه تندتر و نه کندتر، بلکه همراه و همگام. این که در وصف ویژگی ائمه آمد، است: «الْمَتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقًا، وَ الْمَتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقًا وَ الْإِلَّاظِمُ لَهُمْ لِاحِقًا» [۵] بیانگر ضرورت همسویی و همراهی و همگامی با این حجج الهی است. کسی که از آنان جلو بیفتد، از دین بیرون می‌رود. کسی که از آنان عقب بماند، به گمراهی کشیده می‌شود. کسی که ملازم و همراه و پای به پای آنان باشد و ره بسپارد، به مقصد می‌رسد. آنان امام و جلودارند و باید همپای آنان رفت. شیعیان آگاه، از زمان حضرت امیر (ع) تا عصر حجت ثانی عشر،

پیوسته مراقب بودند تا گامی از امامانشان عقب نمانند و جلو نیفتند و در هر مسئله نظر آنان را بشناسند و منطبق با دیدگاه آنان عمل کنند. انبوهی از روایات که متضمن مکاتبات راویان شیعیان با امامان و درخواست رای و نظر و استفسار از تکلیف و وظیفه‌ای است که آنان بیان می‌کنند، در همین جهت بوده است. رهنمود خود ائمه نیز همین بوده و روایات فراوانی که در مورد جایگاه حجت‌های الهی و ضرورت شناخت حجت و تبعیت از حجت و خالی نبودن زمین از حجت و... نقل شده است، خط شیعه را در لزوم همسویی با حجت معصوم الهی ترسیم می‌کند و یک بخش مهم از کتاب شریف اصول کافی «کتاب الحجّه» است که این روایات را گرد آورده است و از عمیق‌ترین مباحث کلامی درباره امامت سرشار است.

عرضه خود بر حجت خدا

وقتی چیزی از سوی خدا و دین، معیار و شاخص شد، مسلمان باید برای موزون ساختن خویش، به «میزان» مراجعه کند و خود را با معیارهای حق بسنجد و به هر اندازه که منطبق با آن بود، خود را در «صراط» ببیند و هر چه از خط میزان و معیار فاصله داشت، خود را در «بیراهه» ببیند و بکوشد تا در اسرع وقت به «راه» برسد. میزان و فارق بین حق و باطل، آنان‌اند و پیشوایانی‌اند که اقتدای به آنان ضرورت دارد. این مضمون کلام نبوی است که فرمود: «اهل بیته یفرقون بین الحق و الباطل و هم الأئمة الذین یقتدی بهم» [۶]، و این همان مفهوم میزان بودن امام معصوم است. همچنان که قرآن معیار است و برای تشخیص درستی یا نادرستی احادیث منقول از اهل بیت، باید آن‌ها را به کتاب خدا عرضه کرد و هر چه موافق قرآن بود، پذیرفت و آنچه با قرآن مخالف بود، کنار گذاشت، در تشخیص صلاح و فساد و درست و نادرست حرف‌ها و نظرهای دیگران نیز باید آن را به سخنان قطعی الصّیدور معصومین عرضه کرد تا میزان حق و ناحق آن روشن گردد. اینکه از امیرمؤمنان هم که در زیارت‌نامه‌ها با عنوان «میزان الاعمال» یاد شده، اشاره به این جهت است، و در تفسیر آیه ی فرستادن آهن و میزان که در سوره «حدید» آمده، میزان به امام و حجت تفسیر شده است.

عبدالعظیم حسنی و عرضه عقاید

از هوشمندی‌های حضرت عبدالعظیم حسنی، این بود که در آن شرایط که به لحاظ خفقان سیاسی، امکان ارتباط با ائمه و سیراب شدن از زلال معارفشان دشوار، و بازار عقاید و نحله‌ها و گرایش‌ها و تفسیر و تأویل‌های مختلف از قرآن و دین و اعتقادات نیز گرم بود، در فرصتی مناسب که به محضر امام هادی (ع) رسید، عقاید خود را بر آن حضرت عرضه داشت و از آن حضرت بر درستی معتقداتش تاییدیه گرفت. این برای همه درس بزرگ است تا معارف دین را از بسترهای مناسب و کانال‌های مطمئن و اشخاص مورد اطمینان و سالم فرا بگیرند، تا هم به بیراهه و ضلالت نیفتند، هم در افکار و عقایدشان حجت داشته باشند. عبدالعظیم حسنی در آن دیدار، از محضر امام اجازه خواست که عقاید خود را بیان کند، تا اگر جایی به خطا می‌رود، امام تصحیح کند. با اینکه حضرت عبدالعظیم، خود از بزرگان شیعه و راویان و عالمان اهل بیت بود، اما با این عمل درسی به ما داد که هر کس در هر رتبه و موقعیتی باشد، نباید مغرور گردد و پیوسته باید خود را با میزان، موزون کند و تابع حجت باشد. عبدالعظیم شروع کرد به برشمردن اعتقاداتش در مورد یکتایی خدا، بی‌مثل و مانندی پروردگار، حدّ فاصله بین تعطیل و تشبیه، جسم و جوهر و عرض نبودن خدا، رسالت و نبوت حضرت محمد (ص)، خاتمیت او، امامت امیرالمؤمنین و امامان دیگر تا امام هادی. آن گاه امام هادی در تکمیل اظهارات او فرمود: پس از من فرزندانم حسن، و پس از وی امام مهدی که مردم خودش را نمی‌بینند و بردن نام او روا نیست، روزی ظهور می‌کند و جهانی را پر از عدل و داد می‌کند.... سپس عبدالعظیم ادامه داد که: به حق بودن معراج، سؤال در قبر، بهشت و جهنم، صراط و میزان و حتمیت قیامت و حضر معتمد. پس از ولایت، نماز و روزه و زکات و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان واجبات الهی می‌دانم و قبول دارم.... آن گاه امام، پس از شنیدن یکایک این عقاید، فرمود: «یا اباالقاسم! هذا

والله دین الله الذی ارتضاه لعباده، فأثبت علیه، بَتَّبَكَ اللهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ [۷]؛ ای ابوالقاسم! به خدا سوگند، این همان دین و آیینی است که خداوند برای بندگانش پسندیده است. پس بر همین عقاید ثابت و استوار بمان. خداوند تو را در زندگی دنیا و آخرت، ثابت قدم و استوار بدارد. این که ائمه معصومین محور و مدار و مرجع و معیار دین راستین و جلوه روشن حق‌اند، به تعابیر مختلف بیان شده است. امام هادی (ع) در سخنی فرموده است: «نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الثَّلَاثَةُ تَنْفُذُ [۸]؛ ما میم آن که کلمات پایان ناپذیر الهی»، و امام عسکری (ع) نیز فرموده است: «نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ اِلْتَجَاؤِ اِلَيْنَا وَ نَوْزٌ لِمَنْ اِسْتَضَاءَ بِنَا وَ عِصْمَةٌ لِمَنْ اِعْتَصَمَ بِنَا... [۹]؛ هر کس به ما پناه آورد، ما برای او پناهیم، هر کس در پی فروغ گرفتن از ما باشد، ما برای او نور و روشنایی هستیم، هر کس به سبب ما در پی مصونیت و معصومیت از خطا و بیراهه باشد، ما برای او عصمت و نگه‌دارنده‌ایم».

حجت شدن عبدالعظیم

این یک قاعده است که وقتی چیزی با «میزان» موزون شد، خود آن هم تبدیل به «میزان» می‌شود. مثل اینکه خدا فرمان می‌دهد از رسول اطاعت کنید. پس اگر کسی از رسول خدا تبعیت کند: «مَنْ يَطْعُ الرُّسُولَ فَقَدْ اطَّاعَ اللَّهَ» [۱۰]، از خدا پیروی کرده است. وقتی هم خداوند، خشم و رضای کسی را خشم و رضای خود می‌داند، هم دلیل عصمت اوست، هم حجت، و معیار بودنش را می‌رساند. در بحث عرضه خود بر حجت معصوم الهی و مورد تأیید قرار گرفتن از سوی او نیز، این انطباق با حجت، سبب می‌شود که خود این شخص هم برای دیگران تبدیل به شاخص و معیار حجت می‌شود و خط درست برای دیگران ترسیم کند. حضرت عبدالعظیم، پس از دیدار با امام هادی (ع) و عرضه عقاید خویش بر آن حضرت و سخنان امام که فرمود: «آنچه گفتمی همه حق و درست است و بر همین عقاید استوار بمان»، به ایران آمد و وارد «ری» شد. ابتدا ناشناس بود و مردم او را نمی‌شناختند. کم‌کم به شخصیت او پی‌بردند و از محضرش استفاده می‌کردند. در همان دوران، ابوحماد رازی که از شیعیان معروف ری بود، با رنج بسیار راه طولانی ری تا عراق را پیمود و در سامرا به محضر امام هادی (ع) رسید تا سؤالات دینی و شرعی خود را از آن امام بپرسد. هنگام خداحافظی، امام به ابوحماد فرمود: ای ابوحماد! هر گاه در منطقه خودتان مسئله‌ای برایت مشکل شد، از عبدالعظیم حسنی بپرس و از من هم به او سلام برسان. [۱۱]. عبدالعظیم حسنی از کجا به این مکان عظیم و موقعیت علمی رسید که امام، او را تأیید می‌کند و مردم را به او ارجاع می‌دهد و حرف او را حرف خودش می‌داند؟ جز به خاطر اینکه قبلاً خودش را بر امام عرضه داشته و امام، صلاحیت اعتقادی و سلامت فکری و دینی او را تأیید کرده است؟ پس هر که با حجت خدا منطبق باشد، خودش برای دیگران حجت می‌شود. (هر که با گل‌ها نشیند، رنگ و بوی گل پذیرد). این که فقهای دین و آشنایان به مبانی فکری و کلمات نورانی ائمه معصومین در عصر غیبت امام زمان، حجت بر مردم می‌شوند و کلام و فتوایشان «حکم خدا» تلقی می‌شود، برای آن است که آنان از خودشان سخن نمی‌گویند، بلکه آنچه به عنوان دین، از قرآن و عترت می‌فهمند همان را می‌گویند و ذهن و دلشان را برای شناخت «حکم الله» از هر شائبه و گرایش و پیشداوری خالی و خالص می‌کنند و همه تلاش خود را برای «استنباط حکم شرعی» به کار می‌گیرند و از تقوا برخوردارند و خالی از هوی و هوس‌اند، و اینها سبب می‌شود که در عصر غیبت، ملاذ و پناه مردم، و محور و معیار دین، و میزان حلال و حرام شرعی می‌گردند. چون در پی کشف حجت‌اند، فتوای آنان هم بر مقلدین حجت می‌شود. در حدیث معروف حضرت مهدی (عج) چنین آمده است: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَانْهَمِ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حِجَّةُ اللَّهِ [۱۲]؛ در رخدادها و حوادث و پیشامدها به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم». همین حدیث و نظایر آن، مبنای ضرورت تقلید از فقها در مسائل شرعی است؛ چون نظر اجتهادی و استنباط فقهای دین و آنچه به صورت «فتوا» ابراز می‌کنند، برای مردمی که در عصر غیبت، دسترسی به امام معصوم ندارند، «حجت شرعی» است و تکلیفشان عمل بر طبق آن است، تا براءت ذمه حاصل کنند.

امام هادی و عثمان بن سعید

عثمان بن سعید عمری، از اصحاب امام هادی و امام عسکری (ع) بود که در زمان غیبت صغرا نیز نماینده خاص امام زمان (عج) و یکی از سفرای اربعه بود. او به مقامی از حجیت و اعتبار رسیده بود که حرف او حرف ائمه بود و نقل‌ها و روایت‌هایش معتبر به شمار می‌رفت. این اندازه وثاقت را در سایه تبعیت محض از امام معصوم و حجّت الهی یافته بود. روزی اسحاق بن سعد قمی به محضر امام هادی (ع) شرفیاب شد. از آن حضرت پرسید: من گاهی هستم، گاهی نیستم و همیشه دسترسی به شما ندارم. سخن چه کسی را بپذیرم و دستور چه کسی را اطاعت کنم؟ امام هادی (ع) با اشاره به عثمان بن سعید فرمود: «هذا ابو عمرو، الثَّقَةُ الْأَمِينُ، ما قَالَهُ لَكُمْ فَعَنَى يَقُولُهُ و ما آدَاهُ إِلَيْكُمْ فَعَنَى يُؤَدِيهِ [۱۳]؛ این ابو عمرو (عثمان بن سعید عمری) است، مورد اطمینان و امین است. آنچه به شما بگوید، از جانب من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند، از جانب من می‌رساند». اسحاق بن سعید، همین سؤال را پس از شهادت امام هادی، از امام حسن عسکری پرسید. آن حضرت هم سخنانی شبیه سخن پدر بزرگوارش فرمود: ابو عمرو، مورد وثوق و امین است، هم مورد اطمینان امام پیشین، هم مورد وثوق من در حال حیاتم و پس از وفاتم. هر چه به شما می‌گوید، از جانب من می‌گوید و هر چه به شما می‌رساند، از سوی من می‌رساند. [۱۴]. روایتی دیگر، احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام هادی (ع) پرسیدم: با که معامله کنم؟ احکام دینم را از که بیاموزیم؟ سخن چه کسی را بپذیرم؟ حضرت هادی (ع) در پاسخ او عثمان بن سعید را معرفی کرد و فرمود: او مورد اطمینان من است، هر چه به تو بگوید، از طرف من گفته است. از او حرف شنوی و فرمان‌برداری داشته باش؛ چرا که او مورد وثوق و اطمینان است. [۱۵].

امام هادی و یونس بن عبدالرحمان

بعضی از اصحاب ائمه، چنان فانی در امام و مطیع حجّت خدا و آینه امام نما بودند که سخنان و اعمال و نوشته‌هایشان مورد تأیید کامل امامان بود. همچنان که امام صادق (ع) بعضی از اصحاب خود را تأیید مطلق می‌کرد و می‌فرمود که در مسجد بنشینند و برای مردم فتوا دهند، امام هادی (ع) نیز از این گونه مواضع داشت. اباجعفر الجعفری می‌گوید: نوشته «یومٌ و لیلَةٌ» را که تدوین یونس بن عبدالرحمان بود، خدمت امام هادی (ع) بردم. امام همه آن را مرور کرد و سپس فرمود: «هذا دینی و دینُ آبائی، وَ هُوَ الْحَقُّ كُلُّهُ [۱۶]؛ آنچه در این نوشته است، دین من و پدران من است و همه آن حق و درست است». معیار اینکه کسی این گونه مورد تأیید امام معصوم قرار می‌گیرد و نوشته او صد در صد درست شمرده می‌شود، آن است که او علم و معارف و دین شناسی خود را از مجرای درستی آموخته و با حجت الهی منطبق بوده است، در نتیجه سخن و نوشته و دستور او، کلام امام یا فرمان ولی خدا محسوب می‌شود. (شبیه تعبیر و تأییدی که امام راحل درباره آثار شهید مطهری داشت و همه آنها را مفید می‌دانست). هر که با حجت خدا هماهنگ و هم‌خط باشد، او هم حجت و مورد وثوق و اطمینان می‌شود، و هر کس گفته‌ها و نقل‌ها و ادعایش منطبق با امام که حجت الهی است نباشد، از درجه اعتبار می‌افتد. درسی که از این نقل‌ها و مواضع و روش حضرت عبدالعظیم و اطمینان امام به عثمان بن سعید و یونس بن عبدالرحمان می‌آموزیم، آن است که در همه ابعاد زندگی بکوشیم حجت الهی را بشناسیم، خود را بر او عرضه کنیم، از حجت الهی تبعیت داشته باشیم و معیار در درستی و نادرستی حرف‌ها و عمل‌ها را در انطباق آنها با «حجت خدا» قرار دهیم.

پاورقی

- [۲] مفاتیح الجنان، دعا در زمان غیبت.
- [۳] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸.
- [۴] انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی.... (اهل البیت فی الکتاب و السنّه، ص ۱۱۵).
- [۵] مفاتیح الجنان، صلوات شعبانیه (اعمال ماه شعبان).
- [۶] اثبات الهداء، ج ۱، ص ۹۴.
- [۷] کمال الدین، ص ۳۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲.
- [۸] اختصاص شیخ مفید، ص ۹۴.
- [۹] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۵.
- [۱۰] نساء/۸۰.
- [۱۱] معجم الرجال الحدیث، ص ۴۹.
- [۱۲] میزان الحکمه، ح ۳۳۲۵، به نقل از احتجاج طبرسی.
- [۱۳] فرهنگ جامع سخنان امام هادی، ص ۷، ص ۳۰۲.
- [۱۴] همان.
- [۱۵] همان، ص ۳۰۴.
- [۱۶] همان، ص ۳۲۲، به نقل از اختیار معرفه الرجال.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

